



The University of Tehran Press

Woman in Development and Politics

The contribution of cooperation in removing the deprivation of female heads of the household with a future research approach

Behrouz Sadeghi Amroabadi^{1✉} | Amir Hossein Montazer-Hojat² | Sajjad Bahmani³ | Ahmad SalahManesh⁴ | Faezeh Amraei⁵

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. E-mail: b.sadeghi@scu.ac.ir
2. Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. E-mail: hojat@scu.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. E-mail: bahmani@scu.ac.ir
4. Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. E-mail: salahmanesh@scu.ac.ir
5. Master in Theoretical Economics, Department of Economics, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. E-mail: faezehamraei9966@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received

Received in revised form

Accepted

Published online

Keywords:

Cooperation,

Elimination of Deprivation,

Futurology,

Poverty,

Women.

ABSTRACT

Cooperatives have been a subject of interest to policymakers in the field of poverty alleviation for a long time. They are capable of empowering women who are the chiefs of households, which is a significant aspect of poverty in Khuzestan Province. Therefore, the primary inquiry of this investigation is: What are the most critical cooperative development strategies for the alleviation of poverty among women who are the leaders of households in Khuzestan Province? The research employs a futures research approach and scenario-building method with the Scenario Wizard software, and is founded on documentary studies and expert opinions. In 2024, the experts consisted of 40 academics, executive management, and administrators of women's cooperatives in Khuzestan Province. Non-probability judgmental sampling was implemented. Four scenarios were identified by the results. The first part of the scenario includes the two most desirable scenarios (all factors, with favorable conditions), as well as suitable economic conditions with the support of the authorities and the development of infrastructure. The second scenario is solely in the culture component and considers static conditions. The third scenario suggests that the current situation be maintained while strengthening infrastructure and empowering women under static conditions. The crisis scenario illustrates the unfavorable situation of women's cooperatives. The most critical attributes include the following: improving the quality of women's education, enhancing the level of support through educational infrastructure and the presence of women, focusing on cultural issues that are relevant to the advancement of women's work, and increasing attention to the cooperative sector in the economy and the opinion of the authorities.

Cite this article: Sadeghi Amroabadi, B., Montazer-Hojat, A. H., Bahmani, S., SalahManesh, A. & Amraei, F. (2025). The contribution of cooperation in removing the deprivation of female heads of the household with a future research approach. *Women in Development and Politics*, 56 (1), 1-20. DOI: <http://doi.org/00000000000000000000>



Publisher: University of Tehran Press.

g/00000000000000000000000000000000



انتشارات دانشگاه تهران

زن در توسعه و سیاست

راهبردهای شرکت‌های تعاونی در محرومیت‌زدایی زنان سرپرست خانوار با رویکرد آینده‌پژوهی

بهروز صادقی عمروآبادی^{۱*} | امیرحسین منتظر حجت^۲ | سجاد بهمنی^۳ | احمد صلاح‌منش^۴ | فائزه امرایی^۵

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. رایانامه: b.sadeghi@scu.ac.ir

۲. دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. رایانامه: a.hojat@scu.ac.ir

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. رایانامه: s.bahmani@scu.ac.ir

۴. دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. رایانامه: salahmanesh@scu.ac.ir

۵. کارشناسی ارشد گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. رایانامه: Faezehamraii9966@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

تاریخ بازنگری:

تاریخ پذیرش:

تاریخ انتشار:

تعاونی‌ها از دیرباز در عرصه محرومیت‌زدایی مورد توجه سیاست‌گذاران و قادر به توانمندسازی زنان سرپرست خانوار به‌عنوان بخش مهمی از محرومیت در استان خوزستان هستند؛ بنابراین سؤال اصلی این پژوهش این است که مهم‌ترین راهبردهای توسعه تعاونی در مسیر محرومیت‌زدایی زنان سرپرست خانوار استان خوزستان کدام‌اند. پژوهش طبق مطالعات اسنادی و نظر خبرگان به دنبال بررسی عوامل مؤثر بر محرومیت زنان سرپرست از مسیر تعاونی‌ها است. مطالعه با رویکرد آینده‌پژوهی و روش سناریوسازی با نرم‌افزار سناریو ویزارد انجام گرفت. مصاحبه‌کنندگان و خبرگان، ۴۰ نفر از کارشناسان اقتصادی، اجتماعی و مدیریت اجرایی، دانشگاهی و مدیران تعاونی‌های زنان استان خوزستان در سال ۱۴۰۳ بودند. نمونه‌گیری به شکل غیراحتمالی قضاوتی انجام گرفت. نتایج نشان‌دهنده وجود چهار سناریو بود. سناریوهای بخش اول (مطلوب)، شرایط مناسب اقتصادی با حمایت مسئولان و توسعه زیرساختی و شامل دو سناریوی مطلوب‌ترین سناریوی بخش اول (همه عوامل، دارای شرایط مطلوب) و سناریوی مطلوب بخش اول است. سناریوی دوم فقط در مؤلفه فرهنگ است که شرایط ایستا را در نظر می‌گیرد. سناریوی سوم (ایستا)، با شرایط ایستا رویکرد تقویت زیرساخت‌ها و توانمندسازی زنان با حفظ وضع موجود را مطرح می‌کند و سناریوی چهارم (بحران)، وضع نامطلوب تعاونی‌های زنان را نشان می‌دهد. مهم‌ترین ویژگی‌های این سناریوها تقویت توجه به بخش تعاون در اقتصاد و نظر مسئولان، افزایش حمایت از طریق زیرساخت‌های آموزش و حضور زنان، توجه به موضوعات فرهنگی متناسب با توسعه در حوزه کارکردن زنان و بهبود سطح تحصیلات زنان است.

کلیدواژه‌ها:

آینده‌پژوهی، تعاون، زنان، فقر، محرومیت‌زدایی.

استناد: صادقی عمروآبادی، بهروز، منتظر حجت، امیرحسین، بهمنی، سجاد، صلاح‌منش، احمد، امرایی، فائزه (۱۴۰۴). راهبردهای شرکت‌های تعاونی در

محرومیت‌زدایی زنان سرپرست خانوار با رویکرد آینده‌پژوهی. زن در توسعه و سیاست، ۲ (۴)، ۱-۲۰.

DOI: http://doi.org/00000000000000000000000000000000



DC: http://creativecommons.org/licenses/by-sa/4.0/ 00000000000000000000000000000000

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

۱. مقدمه

سهم نابرابر و بیشتر زنان از فقر در مقیاس جهانی غالباً در مفهوم زنانه‌شدن فقر انعکاس یافته است. عوامل زیادی به‌عنوان متغیرهای مؤثر در زنانه‌شدن فقر بیان شده است، از جمله نابرابری در حقوق و آنچه زنان در مقام شهروند باید حق بهره‌مندی از آن را داشته باشند، نابرابری در قابلیت‌ها و در نتیجه نابرابری در فرصت‌ها و پیامدهای نابرابر سیاست تعدیل ساختاری. زنانه‌شدن بخش غیررسمی اقتصاد و محرومیت زنان از امتیازات اشتغال رسمی، مهاجرت‌ها و جنگ‌ها، از بین رفتن شبکه حمایت‌های خانوادگی، قومی و... نه تنها به زنانه‌شدن فقر، بلکه به پیوستن قشر اصلی از زنان یعنی زنان سرپرست خانوار به گروه فقیرترین افراد انجامیده است (Shadi Talab & Gerainejad, 2004: 53). بخش تعاون در قیاس با بخش‌های دولتی و خصوصی بهتر می‌تواند توسعه ملی مبتنی بر عدالت و مساوات را به ارمغان آورد؛ زیرا پایه و جوهر ذاتی این بخش بر مشارکت داوطلبانه، اصیل و علاقه‌مندانه مردم پابرجا است (Movahedi Naini, 2005: 5). بخش تعاون، هم در مسیر رسیدن به توسعه اقتصادی و کاهش نابرابری زنان کمک می‌کند و هم خود هدف توسعه است (Iran dust et al., 2013: 59). طبق گزارش اتحادیه بین‌المللی تعاون، در سال ۲۰۱۹ بیش از یک میلیارد نفر (۱۲ درصد از مردم جهان) به‌عنوان تعاون‌گر، حداقل در یکی از ۳ میلیون تعاونی در دنیا عضو بودند. تعاونی‌ها برای ۱۰ درصد از جمعیت شاغل جهان، کار و فرصت شغلی ایجاد کرده‌اند و ۳۰۰ تعاونی برتر دنیا گردش مالی بالغ بر ۲۱۸۰ میلیارد دلار آمریکا دارند (Solomon, 2023). این آمارها نشان می‌دهند تعاونی‌ها در رشد و توسعه اقتصادی بسیاری از کشورها نقش مؤثر و پررنگی ایفا می‌کنند. در ایران نیز با اینکه در قانون اساسی و اسناد بالادستی و برنامه‌های توسعه و سند ملی تعاون، به بخش تعاون توجه جدی شده، اهداف مدنظر برای توسعه بخش تعاون و سهم ۲۵ درصدی این بخش در برنامه پنجم توسعه کشور تاکنون محقق نشده است. همچنین براساس آمار منتشرشده مرکز آمار ایران در خصوص شرکت‌های تعاونی تحت پوشش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از مجموع ۲۲۲ هزار شرکت تعاونی در سال ۱۳۹۹، تنها ۹۶ هزار شرکت تعاونی فعال وجود داشت که با ظرفیت کم فعالیت می‌کردند. مسئله نقش روستاییان به‌ویژه زنان روستایی در مشارکت در امور روستایی به‌ویژه در فعالیت‌های اقتصادی در راستای افزایش روند توسعه از دهه ۱۹۷۰ به بعد به‌طور ویژه مورد توجه کارشناسان قرار گرفت؛ تا جایی که این موضوع برای سازمان‌ها و برنامه‌ریزان توسعه اولویت خاصی دارد (Sadeghi Amroabadi & Boudaghi, 2021: 12). ۴۰ درصد از نیروی کار بخش کشاورزی، زنان هستند و ۵۰ درصد فعالیت‌های بخش کشاورزی در تولید را زنان انجام می‌دهند. همچنین ۷۵ درصد تولیدات صنایع دستی کشور و تمام مراحل پرورش دام توسط زنان انجام می‌شود (Ajili & Danai, 2005: 60).

تجربه‌های بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد بخش گسترده‌ای از دستاوردهای توسعه اقتصادی مرهون توسعه کارآفرینی به‌خصوص از طریق ایجاد کسب‌وکارهای کوچک با ماهیتی گروهی و تعاونی است (Olfati Jalal & Rezaizadeh, 2019: 122). شرکت‌های تعاونی روستایی برحسب تقسیم‌بندی گروهی عبارت‌اند از: ۱. تعاونی تولید روستایی؛ ۲. تعاونی توزیع روستایی؛ ۳. تعاونی مصرف روستایی؛ ۴. تعاونی اعتبار روستایی. یا براساس تقسیم‌بندی موضوعی عبارت‌اند از: شرکت‌های تعاونی روستایی و کشاورزی با مشارکت کشاورزان، دامداران، دامپروران، پرورش‌دهندگان کرم ابریشم، زنبورعسل، ماهی و روستاییان شاغل در صنایع روستایی یا کارگران کشاورزی برای تمام یا قسمتی از مقاصد خاص. همچنین در تقسیم‌بندی تجاری عبارت‌اند از: ۱. شرکت تعاونی خاص؛ ۲. شرکت تعاونی عام. مشارکت جامعه زنان در فعالیت‌های مختلف در جهت توسعه روستایی، بسیار مؤثر است. ایجاد شرکت‌های تعاونی یکی از بهترین راهکارها برای مشارکت زنان بوده است. تشکیل این شرکت‌ها به‌طور قطع در وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها مفید است (Fallsolayman et al., 2013: 120). براساس شواهد، بیش از ۷۵

درصد از مردم فقیر در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. این مطلب اهمیت مطالعه کاهش فقر در مناطق روستایی را با استفاده از مشارکت مردمی و تعاونی‌های مناطق روستایی نشان می‌دهد. یکی از راهکارهای مؤثر در جهت ایجاد مشارکتهای مردمی در مناطق روستایی، تشکیل شرکت‌های تعاونی در این مناطق است. تعاونی‌ها به شکل رسمی و غیررسمی نقش و جایگاه ارزنده‌ای در مناطق روستایی کشورهای مختلف دارند. از سوی دیگر، حضور مؤثر این نهادهای مردمی می‌تواند نقش مؤثری در توسعه روستاهای کشورهای در حال توسعه ایفا کند (Azami et al., 2016: 55).

براساس آمار ۱۴۰۱، در استان خوزستان حدود ۳۰۰۰ تعاونی فعال وجود دارد. خوزستان از لحاظ تعداد تعاونی در کشور رتبه چهارم را دارد و ۲/۵ میلیون نفر معادل ۵۰ درصد از جمعیت خوزستان عضو تعاونی‌ها هستند. سهم بخش تعاون خوزستان در اشتغال کشور حدود ۱۰ درصد است و با اینکه از متوسط کشور بالاتر است، هنوز با نقطه ایدئال فاصله بسیار دارد. براساس آخرین آمار، یک میلیون و ۳۳۰ هزار زن بیکار در استان خوزستان وجود دارد و تعاونی‌های زنان در این زمینه می‌توانند بسیار کارگشا باشند. استان خوزستان بیش از ۶۰۰ تعاونی فعال زنان دارد و تقویت و حمایت از آن‌ها می‌تواند مشکلات فقر زنان و جامعه را تحت تأثیر قرار دهد (GDCLS, 2022). با توجه به رشد روزافزون فناوری و تأثیرات ناشی از آن در جامعه بشری، لزوم برنامه‌ریزی‌های نرم‌افزاری و حتی سخت‌افزاری با نگاه به آینده و ترسیم آینده‌ای مطلوب در بخش تعاون اهمیت ویژه‌ای دارد. این موضوع برای پرکردن شکاف نظری بخش تعاون در کشور و حل مشکلات اقتصادی در کشور و توسعه بخش تعاون برای محققان حوزه تعاون و فقر از اهمیت زیادی برخوردار است. توسعه بخش تعاون و نقش محرومیت‌زدایی آن و تحلیل سناریوهای پیش‌رو بهتر می‌تواند به توسعه این شرکت‌ها کمک کند و نتایج آن برای سیاست‌گذاران حوزه تعاون و فقر و مدیران اجرایی وزارتخانه‌های تعاون، کار و رفاه اجتماعی، صمت و مجلس شورای اسلامی در قانون‌گذاری اهمیت زیادی دارد. این موضوع یعنی اثر تعاونی‌ها بر محرومیت‌زدایی زنان سرپرست خانوار برای سیاست‌گذاران نظیر وزارت کار و اقتصاد، بخش اجرایی دولت که می‌تواند سیاست‌گذاری کند و آن را در زمینه کاهش فقر و محرومیت‌زدایی اجرا کند، همچنین برای قانون‌گذاران مفید است؛ زیرا نتایج کاربردی برای مجلس و بخش‌های مختلف که از دولت می‌خواهند دستورالعمل حمایتی وضع کنند که در مسیر حمایت از زنان سرپرست خانوار و تعاونی‌ها باشند اهمیت دارد و در نهایت هم برای تعاونی‌ها و هم برای زنان سرپرست خانوار و جامعه نیز نتایج این مطالعه می‌تواند مفید باشد که رفاه آن‌ها را افزایش می‌دهد.

بنابراین با توجه به اهمیت کاهش فقر، نابرابری و محرومیت‌زدایی در کشور، ضرورت دارد از ظرفیت‌های بالقوه بخش تعاون در راستای تحقق رشد اقتصادی عادلانه استفاده شایسته‌ای شود. یکی از رویکردها برای نیل به این هدف، توسعه شرکت‌های تعاونی در مسیر محرومیت‌زدایی است. بهره‌گیری از ظرفیت‌های درون‌زا نظیر تعاونی‌ها که قادر به افزون‌سازی توانمندی انسان‌ها و زنان سرپرست خانوار به‌عنوان بخش مهمی از محرومیت در استان خوزستان از طریق اشتراک مساعی است، از دیرباز به موازات و به‌عنوان یاریگر دولت‌ها در عرصه محرومیت‌زدایی و کاهش فقر مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران بوده است؛ به‌طوری‌که بیرچال^۱ (۱۹۹۷) تعاونی‌ها را یکی از مهم‌ترین تشکلهای غیردولتی می‌داند که موفقیت و مزایای آن‌ها در برنامه‌های کاهش فقر با خودیاری اعضا و امتیازات خاص آن‌ها تحقق می‌یابد؛ تا جایی که امروزه بیشتر صاحب‌نظران بر این باورند که تعاونی‌ها یکی از مهم‌ترین راهکارهای کاهش فقر و محرومیت‌زدایی به‌خصوص در بین زنان در کشور است (Fokuhi, 2005: 115).

^۱. Birchall

بر همین مبنا تحقیق حاضر بر آن است با شناسایی پیش‌ران‌های کلیدی و عدم قطعیت‌های موجود و تردیدهای موجود در این زمینه، سناریوهای محتمل در مسیر تحول شرکت‌های تعاونی جهت محرومیت‌زدایی زنان، طی سال‌های آینده را مورد بررسی قرار دهد. با تحلیل این سناریوها، راهبردهای عملیاتی مواجهه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با هریک از این سناریوها در جهت تحقق سیاست‌های کلی رفاه و کاهش فقر در تعاونی‌ها برای زنان را تدوین کند. براین‌اساس در راستای موارد مطرح‌شده سؤال اصلی این پژوهش این است که مهم‌ترین راهبردهای توسعه شرکت‌های تعاونی در مسیر محرومیت‌زدایی زنان سرپرست خانوار استان خوزستان کدام‌اند. در ادامه پس از این بیان مسئله، پیشینه تحقیق و سپس روش تحقیق آینده‌پژوهی مبتنی بر سناریونویسی مرور می‌شود. در ادامه نتایج تحقیق براساس نظر خبرگان و نرم‌افزار سناریو ویزارد بیان و در انتها نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. مفاهیم و تعاریف

براساس تعریف اتحاد بین‌المللی تعاون^۱، تعاونی عبارت است: «انجمن مستقلی از افراد که داوطلبانه برای برآوردن نیازها و آرزوهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مشترک خود از طریق یک شرکت مشترک و تحت کنترل دموکراتیک متحد شدند» (Hosseinnejad et al., 2019: 22; Amrai et al., 2023). شرکت‌های تعاونی مجموعه‌ای از افراد حقیقی و حقوقی هستند که هدف آن‌ها رفع فقر و بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی است. شرکت‌های تعاونی تجاری نیستند. هدف آن‌ها کسب سود نیست، بلکه رفع نیازهای مشترک اعضا است (Sadeghi Amroabadi, 2022b: 5). از طرف دیگر در بیان مفهوم فقر در بین متخصصان اختلاف نظر وجود دارد، اما تعریف معمول تقریباً در تمام جوامع «ناتوانی افراد در حل مشکلاتی نظیر، مسکن، خوراک و پوشاک» است که نیازهای اولیه انسان هستند. بوث^۲ و راونتري^۳ هر دو تعریف معیشتی از فقر را براساس نیازهای اساسی انسان ارائه می‌دهند که کمتر از چیزی است که به‌طور عینی در جامعه به‌عنوان حداقل مطلق تعریف می‌شود (Deh Hozi et al., 2023; Mohammadzai & Ghasemi, 2024: 5). تاونسند^۴ (۱۹۷۹) تعریف گسترده‌تری از فقر ارائه می‌کند که فقط به نیازهای معیشتی محدود نمی‌شود. وی فقر را ناتوانی فرد در حضور در جامعه به‌دلیل کمبود منابع می‌داند (Shadi Talab & Gerainejad, 2004: 52; Nagheli et al., 2013: 1415). این تعریف مبتنی بر منابع از فقر با تمرکز بر نیازهای اساسی به تعریف «یک دلار در روز» از فقر منجر شده است. در ادامه اثرات تعاونی‌ها بر فقر و محرومیت بررسی می‌شود.

۲-۲. اثرات تعاونی‌ها بر کاهش فقر و محرومیت

دیدگاه‌های متفاوت درمورد رابطه تعاونی‌ها و کاهش فقر و محرومیت ارائه شده است:

۲-۲-۱. دیدگاه بنیادی: تعاونی‌ها به‌طور خودکار به منفعت فقرا تمایل دارند. آن‌ها در کشورهای توسعه‌یافته در پاسخ به نیازهای اقتصادی پدید آمدند. تعاونی‌های اولیه دیدگاهی بنیادی از تعاونی‌ها داشتند. بنیان‌گذاران این تعاونی‌ها بر این عقیده بودند که تعاونی‌ها عضویت آزاد دارند و نیازمند سرمایه اندک هستند و همین امر به فقرا امکان عضویت در تعاونی را می‌دهد.

^۱. International Co-operative Alliance

^۲. Bos

^۳. Raventri

^۴. Tavenestand

علاوه بر این، این واقعیت که تعاونی‌ها سودهای اقتصادی را به‌طور عادلانه به اشتراک می‌گذارند، این تصور را ایجاد می‌کند که آن‌ها تمایلی خودکار به نفع فقرا دارند و بنابراین می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف اقتصادی ملی مورد استفاده قرار گیرند. در اینجا تأکید بر تمایل ذاتی تعاونی‌ها به خدمت به فقرا به‌دلیل ویژگی‌های اساسی آن‌ها و درنهایت ارتقای توسعه اقتصادی ملی بود (Kwapong & Hanich, 2013: 120). حتی پس از دوران استعمار در بیشتر کشورهای آفریقایی، مدل تعاونی همچنان توسط دولت‌های ملی از طریق طرح‌های اعتباری و برنامه‌های بازاریابی مورد حمایت دولت، به‌ویژه برای محصولات نقدی، ترویج می‌شد. با گذشت زمان، دولت‌ها شروع به کنترل و مدیریت دقیق این تعاونی‌ها کردند؛ بنابراین ماهیت آن‌ها را به‌عنوان سازمان‌های تحت کنترل اعضا مخدوش و اعضا را دلسرد کردند (Hussi et al., 1993; Birchall & Simmons, 2008; Pollet & Develtere, 2004). دولت‌ها اغلب مقامات کلیدی تعاونی‌ها را منصوب می‌کردند که طبیعتاً به فساد منجر می‌شد. سازمان‌های دولتی محصولات کشاورزان را به‌صورت اعتباری می‌خریدند و به‌طور مصنوعی قیمت‌های پایینی را که توسط دولت تعیین می‌شد به آن‌ها پرداخت می‌کردند. مقامات دولتی کشاورزی عملاً خدمات کلیدی ارائه‌شده توسط تعاونی‌ها را در اختیار گرفتند. تنظیم قیمت‌ها و بازارها توسط دولت مانع از آن شد که تعاونی‌ها از نظر تجاری و مالی ماندگار باشند. از اوایل دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰، محققان استدلال کردند که تعاونی‌ها تغییرات مورد انتظار را ایجاد نمی‌کنند، به فقرا منفعت نمی‌رسانند، سوءمدیریت دارند و به‌شدت توسط دولت کنترل می‌شوند (Holmén, 1990; Laidlaw, 1978, 1980). بیشتر تعاونی‌ها در آن دوره به‌دلیل ناکارآمدی (به‌دلیل عضویت کم)، از نظر مالی ضعیف، بدون مدیریت واجد شرایط یا خروجی قابل‌توجه، ناتوان از ایجاد برابری بیشتر و در عوض افزایش شکاف بین ثروتمندان و فقرا مورد انتقاد قرار گرفتند (Münkner, 1976: 40).

به‌طور خلاصه، مبنای دیدگاه بنیادی تعاونی‌ها این دیدگاه است که تعاونی‌ها عضویت باز دارند، نیازی به تعداد زیادی از تعاونی‌ها ندارند و تمایل خودکار به نفع فقرا دارند. تعاونی‌ها دارای یک عضویت مختلط هستند که شامل افراد فقیر و افراد متمول می‌شود. با این حال، در چنین گروه‌های عضوی مختلط، فقرا ممکن است صدایی برابر با افراد متمول نداشته باشند و به‌درستی نمایندگی نشوند. نیازهای فقرا در گروه‌های مختلط باید به‌طور خاص هدف‌گذاری شود که هزینه بیشتری دارد. دولت ممکن است حمایت از این تعاونی‌ها را به‌عنوان بخشی از ابزارهای کلیدی خود برای ارتقای توسعه روستایی انتخاب کند. با این حال، تجربه گذشته در بسیاری از کشورهای آفریقایی نشان می‌دهد وقتی دولت از چنین تعاونی‌هایی حمایت می‌کرد، درنهایت تحت نظارت و کنترل دولت قرار گرفتند که درنهایت به فروپاشی آن‌ها منجر شد.

۲-۲-۲. دیدگاه متوسط: تعاونی‌ها کسب‌وکارهایی مردم‌محور هستند که عمدتاً به ارائه منافع برای اعضای خود می‌پردازند و تعهدی درونی در قبال فقرا ندارند. دیدگاه تعاونی‌ها که تمایل خودکار به نفع فقرا دارند، توسط چندین نویسنده به چالش کشیده شده است (DFID, 2005; Braverman et al., 1991) که استدلال می‌کنند تعاونی‌ها کسب‌وکارهای مردم‌محور هستند و عمدتاً به تأمین منافع برای اعضای خود می‌پردازند و بنابراین نمی‌توانند تعهدی درونی به فقرا داشته باشند. از این‌رو انتظار نمی‌رود که تعاونی‌ها به نفع فقرا باشند، اما در روند عملکرد ممکن است با ارائه مزایای اقتصادی به فقرا به این هدف کمک کنند. انتظار همکاری تعاونی‌ها به فقرا همان چیزی است که هولمن (۱۹۹۰) به‌عنوان یک فرض نادرست توصیف می‌کند. وی خاطرنشان می‌کند که انتظارات غیرواقعی بیش‌ازحد زیادی از تعاونی‌ها وجود داشته است که بسیاری از مشکلات توسعه را حل کرده و به‌عنوان ابزاری برای حفظ منافع مردم بدون ابزار مناسب عمل کنند. بیرچال و سیمونس (۲۰۰۸) نیز اظهار می‌دارند که «تعاونی‌ها به‌دلیل عدم ایجاد رشد و برابری درحالی که این یکی از اصول نبود، غیرمنصفانه مورد انتقاد قرار گرفتند».

مونکنر (۱۹۷۶) بین افراد نسبتاً ثروتمند، نسبتاً فقیر، فقیر واقعی و فقرای بی‌بضاعت تمایز قائل می‌شود. افراد نسبتاً ثروتمند کسانی هستند که درآمد قابل‌تصرف منظم آن‌ها به‌صورت نقدی یا غیرنقدی برای رفع نیازهای خانواده، حفظ تجارت و تأمین خطرات پیش‌بینی‌ناپذیر کافی است. از سوی دیگر، افراد نسبتاً فقیر افرادی هستند که می‌توانند با تلاش خود امرارمعاش کنند، بالاتر از خط معیشت زندگی کنند، درآمدی بالاتر از حداقل برای بقا دارند، اما درآمد آن‌ها برای ایجاد ذخایر کافی نیست. فقرای واقعی افرادی هستند که در سطح معیشتی زندگی می‌کنند، بدون توانایی پس‌انداز حتی اندک؛ زیرا کل درآمد آن‌ها برای بقا لازم است. گروه چهارم -فقرای بی‌بضاعت- افرادی هستند که درآمدی کمتر از سطح معیشتی دارند یا اصلاً درآمدی ندارند و برای ادامه زندگی به کمک دیگران وابسته‌اند. مونکنر استدلال می‌کند که خیلی ساده است که بگوییم تعاونی‌ها به فقرا کمک نمی‌کنند و چنین ادعایی تصویر درستی از معنای سازمان تعاونی ارائه نمی‌دهد. او خاطرنشان می‌کند که برای افراد نسبتاً ثروتمند، مفهوم تعاونی معناپذیری کمی ندارد. او همچنین یک «لایه میانی» را بین ثروتمندان مرفه و فقرای واقعی شناسایی می‌کند و توضیح می‌دهد که تعاونی‌ها می‌توانند ابزاری باشند (Münkner, 1976). انتظارات اغراق‌آمیز به شکست درک‌شده تعاونی‌ها در دستیابی به اهداف تعیین‌شده منجر شد. مونکنر (۱۹۷۶) استدلال می‌کند که اگر فقرا نتوانند خودشان مشارکت داشته باشند و فعالانه در اقدامات خودیاری شرکت نکنند، تلاش برای بهبود موقعیت اجتماعی و اقتصادی فقرا محقق نمی‌شود. هانت^۱ (۱۹۸۱) ادعا می‌کند که سود کامل برای فقرا به بهترین وجه می‌تواند تضمین شود یا شاید تنها می‌توان تضمین کرد که خود فقرا در انتخاب و اجرای برنامه‌های توسعه مشارکت کامل‌تری داشته باشند. زورپ و همکاران^۲ (۲۰۰۵) ادعا می‌کنند که تشکیل گروه پتانسیل زیادی برای توانمندسازی و افزایش درآمد فقرا دارد. بالین‌حال، افراد بسیار فقیر ممکن است به دلیل کمبود دارایی، نداشتن حقوق و عدم دسترسی به بازارها و شبکه‌ها کنار گذاشته شوند. اما تا زمانی که گروه‌هایی در بین مردم فقیر شکل می‌گیرند، به کاهش فقر کمک می‌کنند. درس این است که اگرچه تعاونی‌ها برای یک لایه میانی در جامعه مفیدند، اما نیاز به فراگیربودن وجود دارند.

۲-۳. دیدگاه متعادل: تعاونی‌ها به شرط رعایت ارزش‌ها و اصول و رعایت پیش‌شرط‌های خاص، پتانسیل کاهش فقر را دارند. گروه دیگری از نویسندگان (Lela, 1981: 59; CA/ILO, 2005; Satgar & Willias, 2009) دیدگاه متعادل‌تری را بین دیدگاه بنیادی ارائه می‌دهند. طرفداران دیدگاه متعادل استدلال می‌کنند که تعاونی‌ها پتانسیل کاهش فقر را دارند، مشروط بر اینکه ارزش‌ها و اصول آن‌ها واقعاً محترم شمرده شود و پیش‌شرط‌های خاصی برآورده شود. پولت (۲۰۰۹) تأکید می‌کند که تعاون گرایی به‌عنوان یک مدل توسعه باید دارای هویت مشخص و روشن، با یک گروه هدف مشخص، یک مکانیسم قابل‌اجرا و یک نقش یا عملکرد خاص در توسعه باشد. به گفته ساتگار و ویلیامز (۲۰۰۸)، نیاز به شناسایی پیش‌شرط‌هایی وجود دارد که برای توسعه موفقیت‌آمیز تعاونی ضروری هستند که با مداخلات مربوط به زمینه تکمیل می‌شود تا اطمینان حاصل شود که تعاونی‌ها کار می‌کنند. پیش‌شرط‌ها باید استقامت، انسجام، توانایی غلبه بر مشکلات در طول زمان و ظرفیت‌سازی را تضمین کنند. این شامل مدیریت کارآمد و مؤثر، یادگیری و آموزش، نوآوری، حکمرانی خوب، اطلاعات و فناوری اطلاعات است (Mahmoudinia & Amroabadi, 2023: 191). پیش‌شرط‌های موفقیت تعاونی‌ها به‌عنوان ابزار توسعه جامعه موازی است، شامل: آگاهی از اینکه تعاونی می‌تواند اعضای خود را به بازارهای جایگزین پیوند دهد، تعاونی‌ها به‌عنوان صدای فقرا و استفاده از قدرت ساختاری تعاونی‌ها برای ایجاد یک اقتصاد تعاونی. لله (۱۹۸۱) تأکید می‌کند که برای دستیابی تعاونی‌ها به کارایی و برابری، باید زیرساخت‌های فیزیکی، اطلاعات بازار، نهادهای نظارتی، فناوری، سیاست‌های قیمت‌گذاری برای کالاها، سرمایه و مدیریت

^۱. Hunter

^۲. Thorp et al.

مناسب وجود داشته باشد. همچنین پارنل (۲۰۰۱) پیشنهاد می‌کند که برای موفقیت و توسعه تعاونی باید محرک‌های خاصی وجود داشته باشد. این شامل ارائه اطلاعات قابل دسترسی در مورد شرکت تعاونی، در دسترس بودن مربیان شایسته برای کمک به استخدام، آموزش و توسعه، دسترسی به منابع مالی و چارچوب سیاست عمومی مثبت است (Parnell, 2001).

۲-۲-۴. دیدگاه خوش‌بینانه: تعاونی‌ها تنها مؤسساتی هستند که پتانسیل پاسخگویی به تمام ابعاد فقر، کمک به دستیابی به اهداف توسعه هزاره و رسیدگی به چالش‌های جهانی‌شدن را دارند. مطالعات موجود از اواخر دهه ۱۹۹۰ عمدتاً توسط نویسندگانی از درون سازمان‌های مرتبط با ترویج توسعه تعاونی مانند سازمان بین‌المللی کار^۱ (ILO)، اتحاد بین‌المللی تعاون^۲ (ICA) و سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل متحد^۳ (FAO) نوشته شده است که عمدتاً مطالعات مربوط به سیاست در مورد تعدیل مجدد تعاونی‌ها برای دستیابی به فقر نوشته‌اند. با ظهور هزاره جدید، بحث در مورد تعاونی‌ها به سمت نقش بالقوه تعاونی‌ها برای کاهش فقر و تحقق اهداف توسعه هزاره (MDG) متمرکز شد. این گروه از نویسندگان (Wanyama et al., 2008: 5) دیدگاه خوش‌بینانه‌ای را به اشتراک می‌گذارند که استدلال می‌کند تعاونی‌ها تنها مؤسساتی هستند که بالقوه با همدیگر ملاقات می‌کنند. وانیا و همکاران (۲۰۰۸) این استدلال را به این صورت خلاصه می‌کند:

تعاونی‌ها از مزایای شناسایی فرصت‌های اقتصادی برای فقرا برخوردارند: توانمندسازی افراد محروم برای دفاع از منافع خود و ایجاد امنیت برای فقرا با کمک به آن‌ها برای تبدیل ریسک‌های فردی به خطرات جمعی؛ بنابراین، اعتقاد بر این است که تعاونی‌ها به‌عنوان ابزاری مهم در تلاش‌های جهانی برای کاهش فقر شدید و گرسنگی تا سال ۲۰۱۵ عمل می‌کنند. بیرچال ادعا می‌کند که تعاونی‌ها تأثیر مستقیمی بر ریشه‌کنی فقر^۴ (MDG) و تأثیر غیرمستقیم بر دیگر اهداف توسعه هزاره دارند. پارادایم توسعه جدید بر بازیگران متعدد، تمرکززدایی، خصوصی‌سازی، کارآفرینی محلی، کاهش فقر، تخصصی‌سازی و حرفه‌ای‌سازی اصرار دارد. به گفته مونکنر (۱۹۷۶)، آنچه تعاونی‌ها را به ابزاری بالقوه قدرتمند برای توسعه تبدیل می‌کند این است که آن‌ها ابزاری را برای ترکیب منافع شخصی به‌گونه‌ای فراهم می‌کنند که منافع شخصی و منافع گروهی افراد با هم برابر و به نیروی محرکه اقدامات گروهی تبدیل شوند. نشان داده شده است که تعاونی‌ها قادر به دستیابی به افراد بسیار فقیر هستند؛ به‌ویژه هنگامی که به‌عنوان وسیله‌ای برای کاهش فقر با استفاده از روش‌های توسعه مشارکتی استفاده می‌شوند (Birchall & Simmons, 2008). وانیا و همکاران (۲۰۰۸) به این نتیجه رسیدند که تعاونی‌ها در آفریقا با میانجی‌گری دسترسی اعضا به دارایی‌هایی که از آن برای کسب درآمد استفاده کرده‌اند، با ادغام فقرا و افراد نسبتاً مرفه در همان منطقه به کاهش فقر کمک می‌کنند و فرصت تولید درآمد و کمک به کاهش محرومیت و نابرابری ایجاد می‌شود (Sadeghi Amroabadi, 2022a: 121). بیرچال و سیمونز (۲۰۰۹) به این نتیجه رسیدند که تعاونی‌ها از طریق دسترسی به اعتبار، بازاریابی محصول و توسعه مهارت به کاهش فقر کمک می‌کنند. تعاونی‌ها دارای مزیت نسبی هستند که به نفع فقرا هستند، اما ممکن است با حمایت مالی، ماهیت مزاحم دولت‌ها و عدم اعتماد رهبری تعاونی محدود شوند. بیبی و شاو^۵ (۲۰۰۵) نیز خاطرنشان کردند که تعاونی‌ها با ایجاد امکان برای تولیدکنندگان کوچک برای دسترسی به بازارها، دسترسی به اعتبارات، کاهش آسیب‌پذیری، ترویج دموکراسی و ارائه کالاها و خدمات، به تحقق اهداف توسعه هزاره کمک می‌کنند. طبق نظر پارنل (۲۰۰۱)، تعاونی‌ها پتانسیل پاسخگویی به بحران‌ها و

1. International Labour Organization

2. International Cooperative Alliance

3. Food and Agriculture Organization of the United Nations

4. Millennium Development Goals

5. Bibby & Shaw

حمایت از راهبردهای کاهش را دارند. تعاونی‌ها اشتغال ایجاد می‌کنند، گفتگو و دموکراسی را ترویج می‌کنند و به حمایت اجتماعی و سایر نیازهای اجتماعی-اقتصادی می‌پردازند.

۲-۳. نقش تعاونی‌ها در کاهش فقر و بهبود زندگی زنان

تعاونی‌ها از دو طریق می‌توانند به بهبود شرایط زنان در کشورهای درحال توسعه کمک کنند. نخست ممکن است در ابتدا سرمایه‌انسانی خود را بهبود بخشند، یعنی می‌توانند زنان را آموزش دهند تا بهره‌وری نیروی کار خود را بهبود بخشند، به آن‌ها دسترسی به بازار اعتباری بدهند و استانداردهای زندگی خود را بهبود بخشند (Ghebremichael, 2013: 52). دوم آنکه زنان می‌توانند عملکرد خود را بهبود بخشند اگر با زنان دیگر با مهارت‌ها یا تکنیک‌های مختلف تولید ارتباط برقرار کنند. درنهایت، اشتراک دانش به بهبود تولید از نظر کمی و کیفی منجر می‌شود. سرمایه اجتماعی در تعاونی‌ها پیوند خورده است و به روابط قابل اعتمادی که برای کسب اطلاعات ضروری است، می‌انجامد (Bhukuth et al., 2018: 12). تعاونی‌ها می‌توانند مهارت‌ها را در همه زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی بهبود بخشند تا زمانی که به اشتراک‌گذاری اطلاعات بین اعضای آن عالی باشد و آن‌ها متعهد باشند که با احترام به ارزش‌ها و هنجارهای تعاونی عمل کنند. تعاونی‌ها اخلاق تجاری را ترویج می‌کنند، به توسعه کمک می‌کنند و همچنین کارآفرینی اجتماعی و نوآوری اجتماعی را توسعه می‌دهند (Novkovic, 2008: 2172).

همچنین تعاونی‌ها می‌توانند دستمزدهای بالاتری را بین افراد، عمدتاً زنانی که در چنین انجمن‌هایی مشغول هستند، توزیع کنند. این امر به لطف بهبود تولید از نظر کمی و کیفی امکان‌پذیر است. به این ترتیب نوع حکمرانی، تجارت و مدیریت بر دریافتی نیروی انسانی مؤثر است (Sadeghi Amroabadi, 2021: 920). با ورود شرکت‌کنندگان جدید به تعاونی، سرمایه انسانی نیز بهبود می‌یابد. درواقع، شرکت‌کننده جدید تخصص‌هایی را ارائه می‌کند که به‌طور مشترک استفاده می‌شوند. با توجه به اینکه تعاونی نمی‌تواند دانش مشترک را بالاتر از اندازه بهینه مدیریت و کنترل کند، می‌توان فهمید که تعاونی نمی‌تواند تعداد شرکت‌کنندگان را به‌طور نامحدود افزایش دهد. هنگامی که تعداد سریع‌تر از ظرفیت کنترل تعاونی افزایش می‌یابد، پدیده سواری مجانی ظاهر می‌شود؛ بنابراین اعضا می‌توانند از تلاش خود بکاهند و از کار دیگران لذت ببرند. برای جلوگیری از چنین مشکلی، تعاونی باید اندازه بهینه اعضا را تعیین کند (Bhukuth et al., 2018: 13). تسهیم دانش در زمینه «سرمایه اجتماعی پیوندی» انجام می‌شود (Woolcock & Narayan, 2000: 230)، به این معنا که در جایی که اعتماد بین اعضا بالا است، انباشت سرمایه انسانی به بالاترین سطح می‌رسد. این امر به‌ویژه در موردی صادق است که اعضا از یک جامعه هستند و متعهدند که دانش خود را بدون نقص و محدودیت کنار هم بگذارند (Coleman, 1988: 100). نقش سرمایه اجتماعی در عملکرد مؤثر تعاونی‌ها بسیار مهم است (Mondal, 2001: 460).

۲-۴. پیشینه پژوهش

کاناشیرو و استاریک (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای با عنوان «تلاش‌ها، فرصت‌ها و محدودیت‌های تجاری برای پرداختن به فقر: مطالعه موردی برزیل» دریافتند که کسب‌وکارها باید رویکردی یکپارچه اتخاذ کنند که هم‌زمان به چندین عامل محرومیت شدید بپردازد و احتمال خشونت را در موقعیت‌های فقر شدید کاهش دهد.

بزرگ‌پرور و خسروی‌پور (۱۳۹۵) در مقاله «نقش تعاونی در کاهش فقر» بیان کردند که با توجه به اینکه یکی از بخش‌های مهم و مؤثر بر رشد اقتصادی و تقویت نهادهای مرتبط، تعاونی‌ها هستند، ایجاد شرکت‌های تعاونی موجب بهبود درآمد، سطح زندگی،

درآمد سرانه، بهره‌وری مطلوب از منابع روستایی، بهداشت، جلوگیری از مهاجرت و نگهداشت کشاورزی، صنعت، خدمات و اقتصاد می‌شود.

مجدآبادی و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه «کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار در ایران» بیان کردند که کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار متأثر از پذیرش نقش‌های متعدد اجتماعی-اقتصادی و کاهش توجه به سلامت آنان است. در این گروه از زنان کیفیت پایین زندگی با رضایت پایین از زندگی مشکلات جدی ایجاد می‌کند.

خاک‌پور (۲۰۱۵) در مقاله «سرمایه اجتماعی، توانمندسازی زنان حاشیه‌نشین و کار شهری؛ مورد مطالعه: جامعه زنان سکونتگاه‌های غیررسمی تبریز» نشان دادند بین سرمایه اجتماعی زنان جامعه سکونتگاه‌های غیررسمی و توانمندسازی آنان در جهت ورود به بازار کار انعطاف‌پذیر و کارآفرینی مبتنی بر تعاونی مکان‌محور رابطه معناداری وجود دارد.

نیل گلی و حشمت‌الله (۱۳۹۷) در «بررسی تأثیر تعاونی‌های زنان روستایی بر کاهش فقر خانوار» بیان کردند که تعاونی‌های زنان در زمینه عضویت وضعیت رضایت‌بخشی دارند و به‌طور کلی مشارکت در تعاونی زنان سبب بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، رفاهی، بهداشت و تغذیه و عامل کاهش فقر در خانوارها می‌شود.

عباس‌خواه و همکاران (۲۰۲۱) در «بررسی وضعیت اشتغال تعاونی محور زنان ساکن در بافت فرسوده شهر رشت با تأکید بر شهر خلاق خوراک» به این نتیجه رسیدند که نابرابری جنسیتی به موقعیت حاشیه‌ای زنان در بازار کار منجر می‌شود. یکی از این راهکارها، تشکیل و توسعه تعاونی‌های اشتغال زنان در این محلات است. تعاونی‌ها می‌توانند مشکلات بیکاری را تا حد زیادی حل کنند، فرصت‌های شغلی را افزایش و بیکاری را کاهش دهند. در این راستا هدف از این تحقیق، فراهم کردن بستری برای خلاقیت با رویکرد تعاونی‌ها در بافت‌های فرسوده است.

یوسفی و خسروی‌پور (۱۳۹۶) در مطالعه «نقش تعاونی زنان در توسعه، اشتغال و کارآفرینی» بیان کردند که در زمینه توسعه روستایی، مشارکت زنان نقش مهمی دارد و یکی از راه‌های گسترش مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی کشور، تشکیل شرکت‌های تعاونی روستایی زنان است و می‌توان آن را یکی از شاخص‌های مؤثر بر تولید کشور دانست.

انواری‌پور و صادقی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «نقش حمایت‌های تعاونی‌ها در کارآفرینی زنان و اشتغال پایدار» دریافتند که اطلاعات موجود درمورد اشتغال زنان در ایران این مطلب مهم را توصیه می‌کند که نیاز به تغییرات اساسی در زمینه اشتغال و کارآفرینی در ایران وجود دارد تا زنان نیز در گروه فعالان اقتصادی کشور قرار گیرند و برای تحقق این فعالیت، نیاز به برنامه‌ریزی در زمینه برنامه‌های توسعه و سیاست‌گذاری در سطح کلان اقتصادی وجود دارد. یکی از شاخص‌های سنجش توسعه‌یافتگی در کشورهای مختلف، میزان توجه آنان به زنان است.

براساس پژوهش‌های داخلی و خارجی در زمینه تأثیر شرکت‌های تعاونی بر فقر و محرومیت زنان و وضعیت زنان سرپرست خانوار در ایران و سایر کشورها و همچنین نیاز به برطرف کردن مشکل زنان سرپرست خانوار، هدف این مطالعه، بررسی نقش تعاونی‌ها به‌عنوان راه‌حلی برای رفع مشکل محرومیت زنان سرپرست خانوار در استان خوزستان است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش با توجه به موضوع تحقیق از روش ترکیبی استفاده شد. روش ترکیبی با ترکیب و جمع‌آوری داده‌های کیفی و

کمی، مطالعه و تحلیل را به پایان می‌رساند که در آن، برخی از داده‌های تحقیق نقش کمکی و ثانوی دارند و برخی در مجموعه داده‌ها نقش اصلی را ایفا می‌کنند. این روش در مواردی استفاده می‌شود که مجموعه داده‌های تحقیق کافی نباشد و هر نوع از سوالات تحقیق نیازمند انواع متفاوتی از داده‌ها باشد. روش ترکیبی «مجموعه‌ای از داده‌های متفاوت را در سطح روش تحقیق با هم ادغام می‌کند؛ به این صورت که یک نوع از داده‌ها در یک روش‌شناسی با نوع دیگر داده‌ها ترکیب می‌شوند» (Mahmoudi, 2006). در این پژوهش در بخش اول از روش کمی از نوع داده‌های توصیفی استفاده می‌شود. در چارچوب هدف اصلی پژوهش به‌کارگیری مدلی برای بررسی نقش توسعه شرکت‌های تعاونی بر محرومیت‌زدایی زنان سرپرست خانوار با رویکرد آینده‌پژوهی است. این پژوهش کاربردی است. ابتدا به روش آمار توصیفی و داده‌های تحقیق به‌صورت گذشته‌نگر متغیرهای تحقیق بررسی می‌شوند. در بخش دوم نیز از روش کیفی به‌خصوص از روش تحلیل ساختاری و سناریونویسی از طریق نرم‌افزار سناریو ویزارد استفاده می‌شود. در بخش کیفی، با عنایت به اهداف و ماهیت تحقیق از روش تحلیل ساختاری (SAM) استفاده شد. تحلیل ساختاری از نوع ابزاری برای نظم‌بخشیدن به ایده‌ها مطرح شده است. در این نوع تحلیل، مؤلفه‌های اصلی به‌صورت ماتریسی ترکیب می‌شوند و آن را توصیف می‌کنند. در این رویکرد، متغیرهایی که بیشترین اهمیت و اثرگذاری و نفوذ و همچنین بیشترین وابستگی به سایر متغیرها را داشته باشند، شناسایی می‌شوند. در روش و تحلیل اثرات متقابل، به‌عنوان روش مکمل برای رویکردهای نظرسنجی یا دلفی در تحلیل ساختاری و آینده‌پژوهی استفاده می‌شود. این رویکرد، روشی تحلیلی برای اندازه‌گیری اثر وقوع یک پدیده در یک مجموعه آینده‌پژوهی است. در این رویکرد، اثر یا احتمال اثر یک پدیده بر پدیده دیگر پیش‌نگری می‌شود و در این مسیر از ابزارهایی مثل جداول اثرات متقابل برای تحلیل نظام‌مند ارتباطات متقابل بین متغیرهای تحلیل استفاده می‌شود تا درکی از مسیرهای احتمالی آینده به‌دست آید که متأثر از اثرات مستقیم یا غیرمستقیم یک متغیر یا پدیده بر متغیر یا پدیده دیگری است. سه مرحله اصلی که در این روش طی می‌شود عبارت‌اند از: ۱. شناسایی متغیرها؛ ۲. توصیف روابط میان متغیرها؛ ۳. شناسایی متغیرهای کلیدی (رتبه‌بندی پیش‌ران‌ها) (Talebian et al., 2017: 80). این مطالعه با رویکرد آینده‌پژوهی و روش سناریوسازی با نرم‌افزار سناریو ویزارد انجام شده است. مصاحبه‌کنندگان و خبرگان مطالعه، ۴۰ نفر از کارشناسان اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی اجرایی و دانشگاهی و همچنین مدیران شرکت‌های تعاونی زنان استان خوزستان در سال ۱۴۰۳ هستند که مشخصات آن‌ها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد	جنسیت	فراوانی	درصد
ابتدایی و متوسطه	۰	۰	زن	۲۴	۶۰
دیپلم	۵	۱۲/۵	مرد	۱۶	۴۰
کارشناسی	۲۰	۵۰	رشته تحصیلی	فراوانی	درصد
کارشناسی ارشد	۱۰	۲۵	رشته‌های فنی	۱۶	۴۰
دکتری	۵	۱۲/۵	اقتصاد، مدیریت و حسابداری	۱۴	۳۵
مجموع	۴۰	۱۰۰	سایر رشته‌ها	۱۰	۲۵
سمت	فراوانی	درصد	مجموع	۴۰	۱۰۰
مدیر یا کارشناس اجرایی	۱۶	۴۰	وضعیت تأهل	فراوانی	درصد
			مجرد	۵	۱۲/۵

مدیر شرکت تعاونی	۲۰	۵۰	متاهل	۳۵	۸۷/۵
استاد دانشگاه	۴	۱۰	مجموع	۴۰	۱۰۰
مجموع	۴۰	۱۰۰			

منبع: یافته‌های پژوهش

همچنین تأییدپذیری روش دلفی با استفاده از شاخص کاپا بوده است. شاخص کاپا برای تعیین قابلیت اطمینان یا توافق یا پایایی بین ارزیابان استفاده می‌شود. این ضریب برابر ۰/۷۹ و نشان‌دهنده پایایی و تأییدپذیری قوی است.

۴. یافته‌های پژوهش

آینده‌پژوهی مبتنی بر سناریو به معنای استفاده از توصیفات روایی است که انسجام درونی دارد و درباره احتمالات ممکن اتفاقات و تحولات آینده است. سناریو به معنی زنجیره وقایعی است که فکر می‌کنیم در آینده اتفاق خواهد افتاد. در این مسیر بعد از آنکه هدف و سؤال اصلی تحقیق مشخص شد، با مصاحبه گروه نخبگان، متغیرهای اصلی مؤثر بر محرومیت‌زدایی در بین زنان با توجه به اهمیت هریک مشخص شدند (۵۰ متغیر). براساس جدول ۲، این متغیرها در شش محور اجتماعی، محیطی قانونی، اقتصادی، فردی، سیاسی و فناورانه تعیین شدند. سپس در قالب یک ماتریس ۵۰ در ۵۰ اثرات متقابل متغیرها در شرایط عدم اطمینان با توجه به عدد صفر تا سه^۱ توسط خبرگان تعیین شد. برای بررسی سناریوهای مختلف، ابتدا مهم‌ترین عوامل مؤثر بر محرومیت زنان در مسیر تعاونی‌ها با طرح پرسش از خبرگان و همچنین مطالعات کتابخانه‌ای استخراج شد که نتایج آن در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر محرومیت زنان در مسیر تعاونی‌ها

ردیف	عوامل اثرگذار بر محرومیت زنان در مسیر تعاونی‌ها	تعداد
۱	توجه به بخش تعاون در اقتصاد کلان و نظر مسئولان، برنامه‌های اشتغال پایه‌ای زنان در استان، حمایت از مشاغل خانگی زنان، توانمندسازی زنان، سیاست‌های محرومیت‌زدایی زنان، حمایت از کارآفرینی، اعتماد به توانمندی زنان، وجود انجمن‌های مردم‌نهاد حامی زنان، وجود و قبول نقش مدیریتی زنان	۱۱
۲	حمایت از طریق زیرساخت‌ها مانند آموزش حضوری و آنلاین، بیمه، مالیات، قوانین، بروکراسی، زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مالی و حسابداری	۹
۳	مباحث فرهنگی و قومیتی و حمایت از ورود زنان به بازار کار، ترویج فرهنگ کار، تعارضات فرهنگی کار و مدیریت خانه، حمایت از تحصیلات و اشتغال زنان	۹
۴	سطح تحصیلات زنان و ورود فناوری، وضعیت تأهل، سابقه کاری، دانش زبان انگلیسی، دانش فنی و تخصصی، تسلط بر اساسنامه و قوانین تعاونی‌ها	۱۰
۵	وضعیت کلی رشد اقتصادی، تورم و نوسانات اقتصادی (نرخ بهره، تورم، نرخ ارز و...)، وضعیت اشتغال، تجارت، کسب‌وکارها، ریسک‌ها و تحریم‌های اقتصادی	۱۱

منبع: یافته‌های پژوهش

۱. عدد صفر به منزله بدون تأثیر، عدد ۱ به معنای تأثیر ضعیف، عدد ۲ نشانه تأثیر متوسط و عدد ۳ نشان‌دهنده تأثیر زیاد است.

مصاحبه با خبرگان تا زمانی که به درجه اشباع برسد، ادامه یافت. بعد از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، استخراج عوامل اصلی تأثیرگذار بر محرومیت‌زدایی زنان با توجه به تعاونی‌ها و با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک انجام شد. نحوه توزیع متغیرها در نمودار حول قطر بیانگر این است که متغیرها تأثیر زیادی بر یکدیگر دارند و بنابراین وضعیت سیستم، ناپایدار است. همچنین ماتریس مبتنی بر شاخص‌های آماری با ۲ بار چرخش و ۹۶ درصد پرشدگی، از مطلوبیت و بهینه‌شدگی صددرصد برخوردار است که بیانگر روایی بالای ماتریس و پاسخ‌های آن است. از میان متغیرهای پنجاه‌گانه، پنج متغیر دیدگاه مسئولان به بخش تعاون، زیرساخت‌های آموزشی و بیمه‌ای، فرهنگ و قومیت، سطح تحصیلات و وضعیت کلان اقتصادی (به عنوان متغیرهای اصلی و راهبردی در منطقه اول نقشه پراکندگی هستند. این عوامل به صورت توأمان بیشترین اثرگذاری و اثرپذیری را دارند و عواملی هستند که هم قابل دستکاری و هم قابل کنترل‌اند و بنابراین بر پویایی سیستم اثرگذار خواهند بود. سپس به منظور سناریونویسی، در این بخش با نظرخواهی از خبرگان، حالت‌های محتمل (۱۲ حالت) و عوامل کلیدی شناسایی شدند. حالت‌های در نظر گرفته شده برای هر متغیر، طیفی از وضعیت‌های نامطلوب تا مطلوب را در نظر می‌گیرد.

جدول ۲. مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر محرومیت زنان در مسیر تعاونی‌ها

۱	توجه به بخش تعاون در اقتصاد کلان و نظر مسئولان
۲	حمایت از طریق زیرساخت‌ها مانند آموزش، بیمه، مالیات، قوانین، بروکراسی و...
۳	مباحث فرهنگی و قومیتی و حمایت از ورود زنان به بازار کار
۴	سطح تحصیلات زنان و ورود فناوری
۵	وضعیت کلی رشد اقتصادی و تورم و نوسانات اقتصادی و تحریم‌های اقتصادی

منبع: یافته‌های پژوهش

پس از تعیین متغیرهای کلیدی، حالت‌های مختلف قابل‌پیش‌بینی برای آینده این متغیرهای کلیدی تعیین می‌شود. این حالت‌ها به صورت جدول ۳ است.

جدول ۳. انواع وضعیت‌های قابل‌پیش‌بینی عوامل اثرگذار بر محرومیت زنان در مسیر تعاونی‌ها

عامل کلیدی	نماد	نام وضعیت
توجه به بخش تعاون در اقتصاد کلان و نظر مسئولان	T1	تضعیف توجه به بخش تعاون
	T2	ادامه روند فعلی
	T3	تقویت توجه به بخش تعاون
حمایت از طریق زیرساخت‌ها مانند آموزش، بیمه، مالیات، قوانین، بروکراسی و...	A1	تضعیف زیرساخت‌ها
	A2	تقویت زیرساخت‌ها
مباحث فرهنگی و قومیتی و حمایت از ورود زنان به بازار کار	F1	فرهنگ ضد توسعه
	F2	ادامه روند فعلی
	F3	فرهنگ همراه با توسعه
سطح تحصیلات زنان و ورود فناوری	M1	کاهش سطح تحصیلات زنان
	M2	افزایش تحصیلات زنان
وضعیت کلی رشد اقتصادی و تورم و نوسانات اقتصادی و تحریم‌های اقتصادی	E1	وضعیت اقتصادی رکود با تحریم
	E2	وضعیت اقتصادی رکود بدون تحریم
	E3	وضعیت اقتصادی رونق با تحریم
	E4	وضعیت اقتصادی رونق بدون تحریم

منبع: یافته‌های پژوهش

بعد از انتخاب عوامل کلیدی و وضعیت‌های احتمالی آینده بر محرومیت‌زدایی زنان، داده‌های جمع‌آوری شده توسط نرم‌افزار سناریو ویزارد تحلیل شد.^۱ نرم‌افزار هفت سناریوی ترکیبی را با توجه به داده‌های وارد شده تحلیل کرد و سناریوهای محتمل، باورکردنی و ممکن را به شرح زیر گزارش داد:

□ □ سناریو محتمل یا قوی: دو حالت (سناریو)؛

□ □ سناریو باورکردنی: یک حالت؛

□ □ سناریوهای ممکن یا ضعیف: چهار حالت.

به‌صورت کلی می‌توان سناریوها را به سه گروه سناریوهای مطلوب، ایستا و بحران به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

□ □ سناریوهای مطلوب شامل سناریوهای ۱ و ۲؛

□ □ سناریوهای ایستا شامل سناریوی ۳؛

□ □ سناریوهای بحران شامل سناریوی ۴.

جدول ۴. وضعیت هریک از عوامل کلیدی مؤثر بر محرومیت‌زدایی زنان به تفکیک سناریوها

E	M	F	A	T	
E4 (مطلوب)	M2 (مطلوب)	F3 (مطلوب)	A2 (مطلوب)	T4 (مطلوب)	سناریوی اول
E4 (مطلوب)	M2 (مطلوب)	F2 (ایستا)	A2 (مطلوب)	T4 (مطلوب)	سناریوی دوم
E3 (ایستا)	M2 (مطلوب)	F2 (ایستا)	A2 (مطلوب)	T2 (ایستا)	سناریوی سوم
E1 (بحران)	M1 (بحران)	F1 (بحران)	A1 (بحران)	T1 (بحران)	سناریوی چهارم

منبع: یافته‌های پژوهش

۶. بحث

در این بخش نتایج پژوهش با ارائه سناریوهای مختلف، مورد بحث قرار می‌گیرند.

۶-۱. سناریوهای بخش اول (مطلوب): شرایط مناسب کلان اقتصادی با حمایت مسئولان و توسعه زیرساختی

^۱. تکنیک تحلیلی این نرم‌افزار به CIB (cross-impact balance analysis) معروف است و هدف آن بهینه‌سازی سناریوها و اثربخش و قابل‌اطمینان کردن آن است.

این گروه شامل سناریوهای ۱ و ۲ است و مطلوب‌ترین حالت ممکن برای توسعه تعاونی‌ها در راستای کاهش محرومیت زنان سرپرست خانوار را شامل می‌شود. در این بخش وضعیت بحرانی وجود ندارد و تنها عامل تمایز آن‌ها، اختلاف در میزان حالات مطلوب است. این بخش بیشترین میزان حالت مطلوب را دارا است. ویژگی این سناریوها تقویت توجه به بخش تعاون در اقتصاد کلان و نظر مسئولان، افزایش حمایت از طریق زیرساخت‌هایی مانند آموزش، بیمه، مالیات، قوانین، بروکراسی تعاونی‌ها و حضور زنان، بهبود سطح تحصیلات زنان و ورود فناوری به تعاونی‌ها و رشد و توسعه وضعیت کلان اقتصادی با رشد اقتصادی بالا، تورم و نوسانات پایین اقتصادی و رفع تحریم‌های اقتصادی است.

۱-۱-۶. سناریوی ۱، مطلوب‌ترین سناریوی بخش اول

این سناریو مهم‌ترین و مطلوب‌ترین حالت پیش‌روی توسعه تعاونی‌ها در مسیر کاهش محرومیت زنان سرپرست خانوار را دارد که شامل وجود روندهای مثبت در مسیر تحقق اهداف است. این سناریو در همه عوامل، دارای شرایط خوب و مطلوب با اهداف توسعه‌ای تعاونی‌ها در مسیر کاهش محرومیت زنان سرپرست خانوار است. روندهای مثبت و روبه‌رشد و توسعه این سناریو عبارت‌اند از: تقویت توجه به بخش تعاون در اقتصاد کلان و نظر مسئولان، رفع موانع و مباحث فرهنگی و قومیتی و حمایت از ورود زنان به بازار کار (فرهنگ مبتنی بر توسعه)، افزایش حمایت از طریق زیرساخت‌هایی مانند آموزش، بیمه، مالیات، قوانین، بروکراسی تعاونی‌ها و حضور زنان، بهبود سطح تحصیلات زنان و ورود فناوری به تعاونی‌ها و رشد و توسعه وضعیت کلان اقتصادی با رشد اقتصادی بالا، تورم و نوسانات پایین اقتصادی و رفع تحریم‌های اقتصادی. با توجه به احتمال زیاد وقوع این سناریو لازم است قوت‌ها و ضعف‌های آن بررسی شود.

۱-۲-۶. سناریوی ۲، سناریوی مطلوب بخش اول

این سناریو نیز مانند سناریوی اول شامل وجود روندهای مثبت در مسیر محقق شدن اهداف است. این حالت در کلیه متغیرها به‌جز متغیر فرهنگ دارای شرایط خوب و متناسب با اهداف توسعه تعاونی‌ها در مسیر کاهش محرومیت زنان سرپرست خانوار است و فقط در مؤلفه فرهنگ است که شرایط ایستا را در نظر می‌گیرد. روندهای مثبت و روبه‌رشد و توسعه این سناریو، تقویت توجه به بخش تعاون در اقتصاد کلان و نظر مسئولان، افزایش حمایت از طریق زیرساخت‌هایی مانند آموزش، بیمه، مالیات، قوانین، بروکراسی تعاونی‌ها و حضور زنان، بهبود سطح تحصیلات زنان و ورود فناوری به تعاونی‌ها و رشد و توسعه وضعیت کلان اقتصادی با رشد اقتصادی بالا، تورم و نوسانات پایین اقتصادی و رفع تحریم‌های اقتصادی است.

۲-۶. سناریوهای بخش دوم (ایستا): شرایط ایستا با رویکرد تقویت زیرساخت‌ها و توانمندسازی زنان با حفظ وضع موجود

این گروه فقط شامل سناریوی سوم است. در این سناریو، بالاترین وضعیت ایستا وجود دارد. تنها در دو حالت، وضعیت مطلوب وجود دارد و این بیانگر وضعیت ایستای این گروه است. ویژگی این گروه ادامه وضع موجود در توجه به بخش تعاون در اقتصاد کلان و نظر مسئولان، ادامه موانع و مباحث فرهنگی و قومیتی ورود زنان به بازار کار و ادامه وضعیت کلان اقتصادی با شرایط فعلی رشد اقتصادی، تورم و نوسانات اقتصادی و حضور تحریم‌های اقتصادی است. در این سناریو، افزایش حمایت از طریق زیرساخت‌هایی مانند آموزش، بیمه، مالیات، قوانین، بروکراسی تعاونی‌ها و حضور زنان، بهبود سطح تحصیلات زنان و ورود فناوری به تعاونی‌ها، حالت‌های مطلوب را نشان می‌دهد.

۳-۶. سناریوهای بخش سوم (بحران): شرایط بحرانی و نامطلوب

این بخش فقط شامل سناریوی چهارم است. در این بخش تمام حالات در وضعیت بحران قرار دارد و هیچ نشانه مثبتی از پویایی و تغییر مشاهده نمی‌شود. وقوع چنین حالتی البته بسیار ضعیف و غیرمعمول است. قوت‌ها و ضعف‌های این حالت مانند سناریوی سوم است و ویژگی‌های آن عبارت‌اند از: کاهش توجه به بخش تعاون در اقتصاد کلان و نظر مسئولان، افزایش موانع و مباحث فرهنگی و قومیتی و حمایت از ورود زنان به بازار کار (فرهنگ ضد توسعه)، کاهش حمایت از طریق زیرساخت‌هایی نظیر آموزش، بیمه، مالیات، قوانین، بروکراسی تعاونی‌ها و حضور زنان، کاهش سطح تحصیلات زنان و عدم ورود فناوری به تعاونی‌ها و تضعیف رشد و توسعه کلان اقتصادی با رشد اقتصادی منفی، تورم بالا و نوسانات بالای اقتصادی و تشدید تحریم‌های اقتصادی.

نتایج این تحقیق به روش آینده‌پژوهی، تصویر جامعی از آینده بالقوه شرکت‌های تعاونی در جهت محرومیت‌زدایی از زنان سرپرست خانوار در استان خوزستان دارد. سناریوهای حاصل از نظرات خبرگان نشان می‌دهد موفقیت این راهبرد ارتباط تنگاتنگی با عوامل متعدد دارد. براساس سناریوهای موجود، سناریوهای مطلوب بر نقش مهم حمایت همه‌جانبه از بخش تعاون در سطح کلان اقتصادی تمرکز می‌کنند و بسط زیرساخت‌های حمایتی (آموزش، بیمه، تسهیلات مالیاتی و قانونی)، توانمندسازی زنان با افزایش سطح تحصیلات و دسترسی به فناوری، و بهبود شرایط کلان اقتصادی (رشد اقتصادی بالا می‌آید، تورم پایین و رفع تحریم‌ها) مورد تأکید قرار می‌گیرند. در مقابل، سناریوی بحرانی، نشانه خطرات ناشی از بی‌توجهی به این عوامل و گسترش موانع فرهنگی و اقتصادی است. سناریوی ایستا نیز به این نکته اشاره دارد که حفظ وضع موجود، بدون اعمال تغییرات اساسی در زیرساخت‌ها و رویکردها نمی‌تواند به بهبود قابل‌توجهی در وضعیت زنان سرپرست خانوار منجر شود. به این ترتیب، پیشبرد یک راهبرد فعال و آینده‌نگر، با هدفمندکردن عناصر کلیدی شناسایی‌شده در سناریوهای مطلوب، برای دست‌یافتن به اهداف توسعه در این مقطع ضروری است. درمجموع، پژوهش حاضر نشان می‌دهد توسعه شرکت‌های تعاونی می‌تواند نقش مهمی در محرومیت‌زدایی زنان سرپرست خانوار ایفا کند، اما این امر مستلزم برنامه‌ریزی جامع و توجه به عوامل متعدد است. حمایت دولت و نهادهای ذی‌ربط از بخش تعاون، بهبود زیرساخت‌های حمایتی، توانمندسازی زنان از طریق آموزش و تسهیل دسترسی به فناوری، و بهبود شرایط کلان اقتصادی، همگی از عوامل کلیدی‌ای هستند که باید در سیاست‌گذاری‌ها مدنظر قرار گیرند.

۷. نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق درمورد راهبردهای شرکت‌های تعاونی در محرومیت‌زدایی زنان سرپرست خانوار با رویکرد آینده‌پژوهی، چهار سناریو را شناسایی کرد. سناریوهای بخش اول (مطلوب)، شرایط مناسب اقتصادی با حمایت مسئولان و توسعه زیرساختی و شامل دو سناریوی مطلوب‌ترین سناریوی بخش اول (همه عوامل، دارای شرایط مطلوب) و سناریوی دوم، سناریوی مطلوب بخش اول که این حالت فقط در مؤلفه فرهنگ است که شرایط ایستا را درنظر می‌گیرد. سناریوی سوم (ایستا)، شرایط ایستا با رویکرد تقویت زیرساخت‌ها و توانمندسازی زنان با حفظ وضع موجود را مطرح می‌کند و سناریوی چهارم (بحران)، وضع نامطلوب تعاونی‌های زنان را نشان می‌دهد. با توجه به نظر خبرگان و سناریوهای احتمالی، مهم‌ترین راهبردها مبتنی بر نتایج تحقیق جهت توسعه شرکت‌های تعاونی استان خوزستان در مسیر محرومیت‌زدایی زنان سرپرست خانوار براساس سناریوهای متفاوت به‌صورت نمودار ۱ است.



نمودار ۱. راهبردهای بخش تعاون در مسیر محرومیت‌زدایی زنان سرپرست خانوار مبتنی بر نتایج تحقیق

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج تحقیق نشان می‌دهد حمایت همه‌جانبه از بخش تعاون در اقتصاد کلان و نظر مسئولان، تقویت و حمایت از تعاونی‌ها از طریق زیرساخت‌ها، حمایت از یک فرهنگ توسعه‌محور، افزایش کارایی تعاونی‌های زنان و بهبود توسعه شرایط کلان اقتصادی از مهم‌ترین راهبردهای بخش تعاون در مسیر محرومیت‌زدایی زنان سرپرست خانوار در ایران هستند. این نتایج منطبق بر مطالعات زورپ و همکاران (۲۰۰۵)، کاناشیرو و استاریک (۲۰۱۶) و عباس‌خواه و همکاران (۲۰۲۱) است. به عبارت دیگر منطبق بر تئوری‌های و مطالعات پیشین، این مطالعه نشان می‌دهد مهم‌ترین ویژگی‌های سناریوهای این مطالعه، تقویت توجه به بخش تعاون در اقتصاد و نظر مسئولان، افزایش حمایت از طریق زیرساخت‌های آموزش و حضور زنان، توجه به موضوعات فرهنگی متناسب با توسعه در حوزه کارکردن زنان و بهبود سطح تحصیلات زنان است.

از منظر نتایج این تحقیق، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی و اجتماعی در استان خوزستان و در کل در سطح کشور، اقدامات زیر را برای توسعه شرکت‌های تعاونی و محرومیت‌زدایی زنان سرپرست خانوار در دستور کار قرار دهند:

- تخصیص منابع مالی و اعتباری ویژه به شرکت‌های تعاونی زنان سرپرست خانوار؛ ایجاد صندوق‌های حمایتی با شرایط آسان و نرخ بهره کم، اختصاص وام‌های قرض‌الحسنه و ارائه پاداش‌های مالیاتی برای ترغیب کارآفرینی زنان؛
- توسعه زیرساخت‌های آموزشی و مهارتی: برگزاری دوره‌های آموزشی رایگان و تخصصی برای زنان سرپرست خانوار در زمینه‌های مختلف کارآفرینی، مدیریت تعاونی و بازاریابی. همچنین ایجاد مراکز مشاوره و راهنمایی شغلی برای کمک به زنان در انتخاب مشاغل مناسب و راه‌اندازی کسب‌وکار؛

- حمایت از بازاریابی و فروش محصولات تعاونی‌های زنان: ایجاد نمایشگاه‌ها و بازارهای دائمی برای عرضه محصولات تعاونی‌ها، تسهیل دسترسی به بازارهای آنلاین، حمایت از برندسازی و بسته‌بندی مناسب محصولات؛
 - توسعه قوانین و مقررات حمایتی: اصلاح قوانین و مقررات مربوط به شرکت‌های تعاونی به منظور تسهیل فعالیت آن‌ها، کاهش بروکراسی اداری و حمایت از حقوق زنان در محیط کار؛
 - تغییر نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی: ترویج فرهنگ کارآفرینی و حمایت از فعالیت‌های اقتصادی زنان در جامعه، مقابله با تبعیض جنسیتی در بازار کار و ارتقای جایگاه اجتماعی زنان سرپرست خانوار؛
 - ثبت مستمر ارزش‌گذاری و نظارت برنامه‌ها: اجرای ارزش‌نگاری دوره‌ای از عملکرد شرکت‌های تعاونی بانوان سرپرست خانوار و افزایش قدرت تأثیر آن‌ها روی محرومیت‌زدایی، و بازخورد در اختیار سیاست‌گذاران برای تقویت برنامه‌ها. همچنین بررسی حالت تعاونی‌های بانوان در استان‌های دیگر و کشورهای درحال توسعه برای بهره‌مندی از تجربیات آن‌ها در سطح استان.
- با این اقدامات، می‌توان زمینه را برای توسعه پایدار شرکت‌های تعاونی زنان سرپرست خانوار و بهبود اقتصادی و اجتماعی این قشر آسیب‌پذیر جامعه فراهم کرد.
- برای مطالعات آتی، در این مسیر پیشنهاد می‌شود با استفاده از داده‌های آماری و روش‌های اقتصادسنجی سری زمانی یا پانل، وضعیت تعاونی‌های زنان و رابطه آن با شاخص‌های رفاه و اقتصادی در سطوح استانی یا کشورهای درحال توسعه بررسی شود.

۸. تعارض منافع

این مطالعه مستخرج از طرح مطالعاتی تحت حمایت مالی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان خوزستان و معاونت پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز با شماره گزینت scu.ee1402.44282 است. در این مقاله هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

Abbaskhah, R., Aghaeizadeh, E., & Hessam, M. (2021). Study of Women's Cooperative-Based Employment of Deteriorated Fabric of Rasht with an emphasis on the Creative City of Gastronomy. *Sustainable city*, 4(2), 125-145. <http://dx.doi.org/10.22034/JSC.2020.247862.1311>

Ajili, A., & Danai, M. (2005). A review of participation bottlenecks in rural women's cooperatives in Iran. *Scientific-Social, Economic Jihad Monthly*, 25(269), 57-48. <http://noo.rs/H0ZX8> (In Persian)

Amrai, F., Khodapanah, M., & Sadeghi Amroabadi, B. (2023). Comparative analysis of the effect of economic cycles on the employment of cooperative companies with the economy of the provinces of Iran. *Master's thesis*, Shahid Chamran University, Ahvaz. (In Persian)

Amrollah Majd-Abadi, Z., Nikpeyma, N., Hazrati Gondad, S., Noori, F., & Noei Mohammad-Bagher, E. (2019). Quality of Life of Head-of-Household Women in IRAN: A review study. *Iranian Journal of Nursing Research*, 14(5), 58-65. <http://dx.doi.org/10.1186/s12905-024-03386-4>

Anvaripour, H., & Sadeghi, M. (2014). The role of cooperative support in women's entrepreneurship and sustainable employment. *International Conference on Management and Human Sciences*. <https://civilica.com/doc/425773> (In Persian)

Azami, M., Sepehpanah, M., & Bahadori Ghezeljeh, M. (2016). The role of cooperatives in Famin County in reducing rural poverty. *Journal of Cooperatives and Agriculture*, 5(17). 53-74. <https://www.magiran.com/p1570152> (In Persian)

Bhukuth, A., Roumane, A., & Terrany, B. (2018). Cooperative, human capital and poverty: A theoretical framework. *Economics & Sociology*, 11(2), 11-18. <http://dx.doi.org/10.14254/2071-789X.2018/11-2/1>

Bibby, A., & Shaw, L. (2005). *Making a Difference. Co-operative solutions to global poverty*. Co-operative College, London.

Birchall, J. (1997). Cooperative Values, Principles and Practices: A Commentary. *Journal of Cooperative Studies*, 30(2), 42-69. <https://doi.org/10.61869/CMHK6273>

Birchall, J., & Simmons, R. (2008). *The Role and Potential of Co-Operatives in the Poverty Reduction Process*. Full Research Report. Swindon: ESRC.

Bozorgpour, E., & Khosravipour, E. (2015). The role of cooperatives in reducing poverty. The second national congress on the development of agricultural sciences and natural resources. <https://civilica.com/doc/513047/> (In Persian)

Braverman, A., Guasch, L., Huppi, M., & Pohlmeier, L. (1991). *Promoting Rural Cooperatives in Developing Countries: The Case of Sub-Saharan Africa*. Washington, DC: World Bank.

Coleman, J. (1988). Social Capital in the Creation of Human Capital. *American Journal of Sociology*, 94, 95-120. <http://www.jstor.org/stable/2780243>

Deh Hozi, Z., Mansouri, A., & Sadeghi Amroabadi, B. (2023). Analysis of interactive effects of internet development and business space on urban and rural poverty. *Master's Thesis of Economics and Planning*, Shahid Chamran University of Ahvaz. (In Persian)

DFID (2005). *Cooperatives, Growth, Poverty Reduction and Community Wellbeing: How to Leverage the Cooperative Movement for Poverty Reduction*. DFID Policy Division Info Series no. 067. United Kingdom, Department for International Development.

Eil Goli, Sh., & Saadi, H. (2018). Investigating rural women's cooperatives on reducing household poverty (sample community: Hamadan province). *Civil and Development Higher Education Institute, Faculty of Rural Development and Development*. <https://doi.org/10.1080/0376835X.2021.1906628> (In Persian)

- Fallsolayman, M., Mikaniki, J., Sadeghi, H., & Dezgi, A. (2013). Evaluation on the role of rural Women's participation in cooperative companies and its affects on social and economic status of members (case study: Khosf and Khorashad in south khorasan province). *Spatial Planning*, 3(4), 116-95. https://sppl.ui.ac.ir/article_15979.html (In Persian)
- Fokuhi, N. (2005). Positive Discrimination as a Mechanism against Deprivation. *Woman in Development & Politics*, 3(3), 111-141. https://jwdp.ut.ac.ir/article_19201.html?lang=en (In Persian)
- General Department of Cooperatives, Labor and Social Welfare of Khuzestan Province (GDCLS). (2022). *Report on cooperative companies in Khuzestan Province*. Ahvaz. (In Persian)
- Mohammadrzai, G., & Ghasemi, H. (2024). The impact of multidimensional poverty on the informal strategies of women's political activism (Case study: women protesting the lack of water in the village of Naqdi Alia in 2021). *Woman in Development & Politics*, 22(4), 1-17. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.371970.1008427> (In Persian)
- Ghebremichael, B. (2013). The role of cooperatives in empowering women. *Journal of Business Management & Social Science Research*, 2(5), 51-54. <https://www.semanticscholar.org>
- Holmén, H. (1990). *State, Cooperatives and Development in Africa*. Uppsala: The Scandinavian Institute of African Studies. Nordic Africa Institute. 86. <https://openlibrary.org/books/OL1946169M>
- Hosseinnejad, M., Hosseini Nia, Gh., & Vazifedoost, H. (2019). Designing a sustainable model of entrepreneurial businesses in the cooperative sector based on the key components of entrepreneurship. *Development and Transformation Management Quarterly*, 12(42), 19-34. <https://sanad.iau.ir/fa/Article/949727> (In Persian)
- Hunter, G. (1981). *A Hard Look at Directing Benefits to the Rural Poor and at Participation*. Overseas Development Institute (ODI).
- Hussi, P., Murphy, J., Lindberg, O., & Brenneman, L. (1993). *The Development of Co-operatives and Other Rural Organizations: The Role of the World Bank*. Washington, D.C.: The World Bank.
- Irاندust, A., Ghavamipour, M., Ebrahimnejad, R., & Hoseinpour, D. (2013). Key Factors Affecting the Success of Family Businesses in Iran and Prioritization. *Journal of Entrepreneurship Development*, 6(2), 55-74. <https://doi.org/10.22059/jed.2013.36259> (In Persian)
- Kwapong, A. N., & Hanisch, M. (2013). Cooperatives and poverty reduction: A literature review. *Journal of rural cooperation*, 41(886-2016-64714), 114-146. <http://dx.doi.org/10.22004/ag.econ.249620>
- Laidlaw, A. F. (1978). *Cooperatives and the poor: a review from within the cooperative movement*. International Co-operative Alliance. https://openlibrary.org/books/OL18964909M/Cooperatives_and_the_poor
- Laidlaw, A. F. (1980). *Cooperative in the Year 2000*. ICA Studies and Reports (15th Ed.). International Co-operative Alliance. https://openlibrary.org/books/OL2941087M/Co-operatives_in_the_year_2000
- Lele, U. (1981). Co-operatives and the poor: A comparative Perspective. *World Development*, 9(1), 55-72. [https://doi.org/10.1016/0305-750X\(81\)90076-0](https://doi.org/10.1016/0305-750X(81)90076-0)
- Mahmoudi, B. (2006). *Introduction of future research and its methods*. Tehran, Expediency Council, Strategic Research Center. (In Persian)

- Mahmoudinia, D., & Amroabadi, B. S. (2023). Good governance and financial crises: a global evidence. *Global Business and Economics Review*, 29(2), 181-211. <https://doi.org/10.1504/GBER.2023.132665>
- Mondal, A. H. (2000). Social Capital Formation: The Role of NGO rural Development Programs in Bangladesh. *Policy Sciences*, 33, 459-475. <https://www.jstor.org/stable/26166039>
- Movahedi Naini, A. (2005). Promoting cooperation and attracting people's participation. *Cooperative and Agriculture Quarterly*, 167, 1-10. <https://www.magiran.com/volume/27271> (In Persian)
- Münkner, H. (1976). Cooperatives for the Rich or for the Poor? With Special Reference to Co-operative Development and Co-operative Law in Asia. *Asian Economies*, 17, 32-54. <https://doi.org/10.3126/amcjd.v5i1.69128>
- Nagheli, S., Nagheli, E., & Sadeghi, B. (2013). The impact of foreign direct investment and regional integration on poverty reduction case study: D8 countries. *Advances in Environmental Biology*, 1412-1421. <https://www.academia.edu/86359268>
- Novkovic, S. (2008). Defining the co-operative difference. *The Journal of Socio-Economics*, 37(6), 2168-2177. <https://doi.org/10.1016/j.socec.2008.02.009>
- Olfati Jalal, R., & Rezaizadeh, B. (2019). Investigating and identifying factors influencing the success of production cooperative companies in Kermanshah province. *Quarterly Journal of Cooperation and Agriculture*, 9(34), 119-146. <https://www.magiran.com/p802375> (In Persian)
- Parnell, E. (2001). *The Role of Cooperatives and other Self-Help Organizations in Crisis Resolution*. Geneva: ILO. <https://www.ilo.org/resource/ilo-resources-crisis-responses-cooperatives-and-wider-social-and-solidarity>
- Pollet, I. (2009). Cooperatives in Africa: The age of reconstruction – synthesis of a survey in nine African Countries. *Coop AFRICA Working Paper No. 7*, International Labour Organisation, Dar es Salaam. <https://researchrepository.ilo.org/esploro/outputs/995219437802676>
- Pollet, I., & Develtere, P. (2004). *Development Co-operation: How Co-operatives Cope*. Cera/Hiva, Leuven. <https://doi.org/10.2979/africatoday.61.3.3>
- Sadeghi Amroabadi, B. (2021). Analysis of the Effects of Democracy and Free Trade on Factor Earnings in Iran. *Journal of Economic Research*, 55(4), 915-939. <https://doi.org/10.22059/jte.2021.305166.1008336> (In Persian)
- Sadeghi Amroabadi, B. (2022a). Analyzing the Asymmetric Cumulative Effects of Rentier State on Income Inequality in Mena Country. *Quarterly Journal of Applied Theories of Economics*, 9(3), 113-146. <https://doi.org/10.22034/ecoj.2022.42390.2748> (In Persian)
- Sadeghi Amroabadi, B. (2022b). *Management of the cooperative company: the emergence of worker-controlled companies*, Ahvaz. Trava publication. (In Persian)
- Sadeghi Amroabadi, B., & Bodaghi, A. (2021). Identification and ranking of factors affecting the economic participation of women in Khuzestan province with an emphasis on interpretive structural modeling. *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 10(1), 1-24. <https://doi.org/10.22034/jeds.2021.40691.1430> (In Persian)
- Satgar, V., & Williams, M. (2008). *The passion of the People: Successful Cooperative Experiences in Africa*. Cooperative and Policy Alternative Center COPAC. https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-319-34216-0_2

Shadi Talab, J., & Gerainejad, A. (2004). Poverty of female heads of household. *Women in Development and Politics*, 2(1), 49-70. https://jwdp.ut.ac.ir/article_13272_1325.html (In Persian)

Solomon, P. (2023). Can cooperatives be a tool for poverty reduction? Social capital perspectives of fisher's cooperatives in India. *Marine Policy*, 147, 105373. <https://doi.org/10.1016/j.marpol.2022.105373>

Talebian, M., Mowlae, M., & Gharari, F. (2017). Structural Analysis Using Fuzzy Make-A-Match Method in Strategic Foresight (Case Study of Iranian Futures Studies 2015). *Iranian Futures Studies*, 2(1), 75-104. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.63652423.1396.2.1.4.4>

Thorp, R., Stewart, F., & Heyer, A. (2005). When and How Far is Group Formation a Route Out of Chronic Poverty?. *World Development*, 33(6), 907-920. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2004.09.016>

Wanyama, F. O., Develtere, P., & Pollet, I. (2008). Encountering the evidence: cooperatives and poverty reduction in Africa. *Working Papers on Social and Co-operative Entrepreneurship WP-SCE*, 02-08. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1330387>

Woolcock, M., & Narayan, D. (2000). Social capital: Implications for development theory, research, and policy. *The World Bank Research Observer*, 15(2), 225-249. <https://doi.org/10.1093/wbro/15.2.225>

Yousefi, R., & Khosravipour, B. (2017). The cooperative role of women in development, employment and entrepreneurship. *The first national conference on new opportunities for production and employment in the agricultural sector in the east of the country (in line with the goals of the resistance economy)*. <https://civilica.com/doc/750877c> (In Persian)